



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a collection of letters. The text is written in a cursive style and covers most of the page. There are several circular stamps, including a prominent one in the center with a crown and the word "کتابخانه" (Library) and another smaller one at the bottom left.

این حله کتابخانه ملی ایران است

۹۹۹۸

۳۶۶۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجروح (ج ۱) رباعیات

مؤلف

شماره ثبت کتاب

بازدید شد  
۱۳۸۵

۸۶۴۳۷

کتابخانه باقر قزوینی  
شماره ۲

خطی - فهرست شده  
۱۴۰۵۲

این حله کتابخانه ملی ایران است

۹۹۹۸-ن

۳۶۶۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجروح (حب) رباعیات

شماره ثبت کتاب

بازدید شد

۱۳۸۵

۸۶۴۳۷

کتابخانه باقر قزق  
شماره ۲

خط - فهرست شده  
۱۴۰۵۲



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or initials interspersed within the text.

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or initials interspersed within the text.











از ذات تو ترستی عودت که در حق وصف دیت  
 با خبر تویت لایق بود است که در بیت الیه  
 در باب درایت منوردا کینه انداز جان و جود  
 نیست چو در او کین و خشم که در پند و ناپند  
 خشم و کینه و کینه و خشم که در پند و ناپند  
 یارب کدام قسم که بیاورم این نام را در پند و ناپند  
 امان فکر که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 خوشدل و خوشدل و خوشدل که در پند و ناپند  
 خوش که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 مستار که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 بر نفس است و پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند

توئی شدم بنده یکی به جورا در حق تو آمده ام که دورا  
 و اعطای شیده حرفی افشای فرمت بشین نقد که دورا  
 سنی خلالت بر روی یکدیگر در دره قل که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 هر چند که حال شیدا او را جلالت بغیر می ما دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 شوق که نام پارسیم او را به دست تمام و پادشاه دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 امکان چو بود آینه و برکت بهمان دیدن در جهان دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 یارب زخم که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند

توئی شدم بنده یکی به جورا در حق تو آمده ام که دورا  
 و اعطای شیده حرفی افشای فرمت بشین نقد که دورا  
 سنی خلالت بر روی یکدیگر در دره قل که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 هر چند که حال شیدا او را جلالت بغیر می ما دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 شوق که نام پارسیم او را به دست تمام و پادشاه دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 امکان چو بود آینه و برکت بهمان دیدن در جهان دورا  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 یارب زخم که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند  
 که در پند و ناپند که در پند و ناپند







از تمام جو صوابش کویا مرا کش تا بل و بدو  
در شیشه آه که می شود بهر همت از این مریض  
صدا بود و خبر که آن تر از صحبت کنش گزیند  
پوشیده چرخ حلاج بخیرا تا که در غم نشناسد

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

سید عالم کائنات محبت بر درگاه با عالم سواد  
 هم که در میان این عالم  
 حیرت خیز غریب و غافل و غافل  
 کما سر بخوان و غافل و غافل  
 در عالم غافل و غافل  
 در عالم غافل و غافل



در تمام کتب معتبره که در این کتاب مذکور است  
 در تمام کتب معتبره که در این کتاب مذکور است

سید الطائفة محبت نورد راه با علی صاحب  
هم که کربلایین بود -  
چون جاد است و دیگرگاه  
بیدر غم نغمه زان که در کعبه  
کامیاب و خوش که در شرف  
در کعبه کربلا







طالب علمی

[illegible][illegible]



بیز زاده ساغر جلال چنان غصه مالالت  
 اوضاع جهان گردید و آن نیک که هم عمر است  
 در کزشت حق که مقدس وید هر که تاراز است  
 در خانه زبونان ازین که او بریند کس بود یک سال  
 این که کفر کال هیولان قران شش نازده بدل  
 قران و نه کال در شش و زان کال هیولان  
 نه پیش فخر و کبر است که چون رخ او کست و میان  
 کون دل حاضر خود ز کس او حرفت که شکر و کست  
 سلطان کبر و کبر و بی مثل در پیشی نزد کست  
 خود برسان بجای او بیاد و نه دوسر و روزی  
 در چشم تو خاب چو مرده است در خط و مال چو دل در دست  
 مودت تو در دم چو مرده است در مهرت به دم چو مرده است  
 در دریا خیز و خیز و خیز و خیز و خیز و خیز  
 خون چو درم و خیز و خیز و خیز و خیز و خیز  
 آنکه خیز و خیز و خیز و خیز و خیز و خیز

[illegible][illegible]



صید و پس بر او ایستاد کوی و پس آید تا آنکه مرا  
 در کافرم دست بوساید چنانکه دل و پیکانم  
 صد شکر که بدو جوانیست در زیر چمن چشم گریان  
 هر چه که دیرم آید خوش از خانه دیده تابان  
 و یا مثال آنست که است کرباب دروغ و کفر  
 تو که منو که عمرم چنان ایستد چو اصل عیش و زین  
 با آنکه مرد و او خوشم کنی بخت دل را که این  
 بخواهش آید از پندارش هزار پند نمی آید  
 هر چه که نفس وصل کند و این آینه درم حقیقت  
 حرام خواند زاهد دل رده شافت که نیست این  
 شوق است که نشسته کفایت روش و این بدو که نشسته  
 زنده کن در آن خوشیست همچون سازه زاهدان است  
 که نیستی نمی که بایستد دار ترست که ناری است  
 که نیستی نمی که بایستد دار ترست که ناری است

[illegible]



[illegible][illegible]



که خوشی زیاده در حق است  
و این از ترس است که در حق است

اینکه در درون غم است  
چشم به رخسار دلخواه است

هر که گلب در دهنش دارد  
در چشمش دانه و باد دارد

شکر که در دهان است  
چون شکر که در دهان است

این دل به دست می آید  
تا که در دست می آید

عبر که آن در میان است  
آن که در میان است

اینکه در درون غم است  
چشم به رخسار دلخواه است

هر که گلب در دهنش دارد  
در چشمش دانه و باد دارد

شکر که در دهان است  
چون شکر که در دهان است

این دل به دست می آید  
تا که در دست می آید

پیش از آن که در میان است  
آن که در میان است

اینکه در درون غم است  
چشم به رخسار دلخواه است

هر که گلب در دهنش دارد  
در چشمش دانه و باد دارد

شکر که در دهان است  
چون شکر که در دهان است

این دل به دست می آید  
تا که در دست می آید

که در درون غم است  
چشم به رخسار دلخواه است

هر که گلب در دهنش دارد  
در چشمش دانه و باد دارد

شکر که در دهان است  
چون شکر که در دهان است

این دل به دست می آید  
تا که در دست می آید

پیش از آن که در میان است  
آن که در میان است

پیش از آن که در میان است  
آن که در میان است

اینکه در درون غم است  
چشم به رخسار دلخواه است

هر که گلب در دهنش دارد  
در چشمش دانه و باد دارد

شکر که در دهان است  
چون شکر که در دهان است

این دل به دست می آید  
تا که در دست می آید



[illegible]

رویت جهان بر دلش یافت  
زاد او پیش که ساخت  
دینا پیش که بدین نمود  
برداشتش برای ادا

پراپتسم بهار رسن  
افرايشم تمام دركاسن  
برصغور و گاهي نقش كن  
بشستم در بار درخشان

وایم و آن از دور افروخته است که ساختن استند و کمرش  
از حق کرم و لطیف سازگار است و در بر او آتش و حق است

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

سا کرد و دست فویداده است باز از طوفان من میشدند  
شد بدان زیگر که تا نزد کشد و کشد نیز یاد شده است

هر از تو گرفتار و فایز شده است  
بیا که منم که یار تو باشم

من لاله که بازایق است آمدت بر خورده و سینه چاک و دست  
فرزده که پیش و دست که فراغ دل تا شمر غمت دست است آمدت

که بوضع خورشید فصل شده  
پیرون از قید سحر و سحرش شده  
آتش مار و نمک و سحر کین و کین  
بسی کل شده و کین شده

از جمله اهل انوار است چنانکه در این کتاب و در این کتاب  
از جمله اهل انوار است چنانکه در این کتاب و در این کتاب

از خلق جهان آنگونه در دست  
از خلق جهان آنگونه در دست  
از خلق جهان آنگونه در دست

شاد و خوش و دل از این شربت / عشق از دل نکست سمن ندیم / کان شد تفتیش شربت

مردی در چندین ساله از ما فرستادیم که رنگ اینها را  
بر چندان کند و آنرا که رنگی از اینها را

۱. اگر کسی بخواهد از این راه نجات یابد  
 ۲. باید که در هر روز صد مرتبه این دعا را بخواند  
 ۳. و در هر روز صد مرتبه این دعا را بخواند  
 ۴. و در هر روز صد مرتبه این دعا را بخواند

دوایش منصف است و در میان دولت و ستم است  
چو برآورد نظر کن که از او هر که سپاسگزار است

آن را که سماع و بر سر آواز است. و او ملک مشهوری است. و در بعضی مغان و زکریات فرزند و صاحب کینه است.  
و در قافله بزرگوار است. فرزند و صاحب آفرین است. و در کینه است. و در کینه است. و در کینه است.

امام رضا علیه السلام

از این که اگر آتش بگذرد که زشت انداخته  
از این که اگر آتش بگذرد که زشت انداخته

برون یازده نوبت  
چون چو نوبت کریم  
چون که نوبت کریم  
چون که نوبت کریم

و در این دنیا  
چون در هر روزی است  
احسن برین می باشد که بگوید  
والن جان کن که در این است در پرده غیب

میرزا علیقلی  
 دوست دین را در شب باشد رخ حاشه دایم مشکوب  
 بزرگه حسن درین افزون کرد و چو سایه ابروی مست

شهادت از او عیب  
یقین شو که صاحب عیب  
خدا را کسی جنبش دارد  
وقت هرگز نیست وانی نشود

باشد یک از ورق که سر عیش و دیر از مرکب است  
شیش افیش نمود بر جد حاسر نو از آتش

لا طیر نیانجا  
شیرت بیخوات و شایر و در کس کام و کشت و شایر  
ان کما کرد و در وطن شایر و شایر

غیر کثیر  
یا خدا رحمت  
عل تو کثرت و ارب حیات  
نکر ای شاه  
رحمت تو در عداست

باز امیدوارم که شما  
از این بیخات نیز بیخات و در کوفه  
اگر کسی رسد در قافا این عرت و در کوفه

یاد آید که از آن است که اگر منکران و انکار کنند که  
ما را در این امر هیچ دست و پا نیست و ما را در این امر هیچ

بیت زهرین به دست آغوش ارشکین صفت کام بی  
دایت را در اهل خون ارشع اهل فروج آب حیات

در این شهر نیز در کتب  
در این شهر نیز در کتب



دانه که در میان این کلمات شریف علی صلوات  
تحقیق علی حقیقت است و نام علی ویرجی صلوات

روز که بود از آنجا که آمدیم که بود از آنجا که آمدیم که بود  
مرا می گیرم اندر عرصه کوی صفا باغی زلفت

دل پر زنیالات به شکامه خواهر که حضور روز و قیامت  
در خانه تیره چون چراغ افروزه آرام کجا بود ز جوش شراب

دارست ز درخ زنده زنده زنده غار و غار و غار  
کجا کافت زاده عرصه آن مهر عیلت به وصل وصال

ای که در شراب حبه دنیا میشت ازین کبریا سانه  
مهر جهان شود که جز یک خاکی در دوزخ روزی بود

که در کف دست می کشید که در کف دست می کشید  
از شکاف لب و لب که در کف دست می کشید

بیار زانکه ایار زانکه ایار زانکه ایار زانکه ایار  
مرو زان که کشت زانکه کشت زانکه کشت زانکه کشت

بحون تو که در زانچه زانچه و زانچه تو سر از زانچه  
بر کس تو که یافت زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مستغرق توید تو زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
بر کس تو زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

چنان خوش بود و چه در دست زانچه زانچه زانچه زانچه  
از زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

از بعضی بر کف دست زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
آدمی که زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

تا خفته زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه

مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه  
مرا زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه زانچه



آباد قراوات زمر خوردن آفتان دو هزار و نود و دو گز است که درون کزای غمر فرو رفته است در شهری اشکبار و ده است که هر یک یکم کاه و ده است که کاه را بر حجت از کز کردن است و در پیش ازین شهر که کاه بود است و در پیش ازین شهر که کاه بود است و در پیش ازین شهر که کاه بود است

این جسم کشف خیمه درینا این کرد نفس غار آید است  
عیدت و جمال حیرت از لایه جوان بدیم و دت های است

طیلم درین کتب موسوم به درواز چو ن ش آید است  
اشاع شکسته ام در کتب لام به فصل سوالی است

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

شود و هر سر از حق عالم است پیشین سر مردان جاوید است  
عالم دانا مهر بر رخ کند زلف بر آینه عالم است

آباد و رخا و دیوانه مات جیت که از پریشانی است  
اسلام دوات خود ندارد بهیچ کس که بهت از سلاخی است

اینکه که فیض مال غلبه است ایامت از انکار بگوید است  
از انکار بگوید است ایامت از انکار بگوید است  
هر دو حق است این است

اید ما بخانه اس می پسندیدار بجای دیده در دیده ما  
 گفتند بر من که هر چه گفتا زار و گرفتار پیش نهاد  
 خرام  
 خیمه جو خیمه در است  
 به پند و نمرش در رایت  
 خیمه در است که دیوانه است  
 گفتن چون گفت که دیوانه است

مقام تمام فراب کرده ای از راه گفتار که تا بکار این خانه است و هر چه در این راه می بیند به خودت برگردان

سلمان بن داود  
آتش زده باشم و بی گشت و کار و فید و دم و دوش گشت  
سرسشته بمان شد و بی گشت و دوش و بکار و دم و دوش گشت

محمود لاری  
از منتهای امیدوارم که در خانه نشسته با خودم صحبت  
نماید و تمام زوایای آن را از من شکسته بر سر من شکسته  
شده و از آن شکسته

عاشق روزی که در وقت باجه داشت جان طالب وصلیت از روز  
کس که بخت وصل تو چو نیافت و آنکس که ترا یافت و کس که بخت

که که ما به حال که هست که خاک شود و شود و شود

بیاورد و سجده اش میسر سازد میگرداندش از زوفت

شوخ که عهد دوستداری  
میز فتنه نش کوفه دانه در دست  
لفظت که عداوت بخوار  
مندانست که عداوت و منافقت

باز که شدن یکیم بیت یارب چه شود اگر مرا کی رود  
از علم آنچه را شاید از کرم است آنچه را نامید

شاه قزو  
بکرامت و ایستادگی از یک کشتن از پیشرفت

در راهی که بک می‌ریم چون بسته‌های دل خود را بده

*(Faint handwritten Persian script)*

۱۹۷  
حضرتان که گزیده اند

۱۹۸  
حضرتان که گزیده اند

[illegible][illegible]

شهاب و جبهه  
 در کوهینه دوزخ است  
 کرم عاشق دست فریاد بود  
 در آغوش زهره است

۱۰۰  
 در این کتاب که در دست  
 آشفته و بهر از سریده است  
 فاما خواننده را از جهت  
 از دست و پاره و کجاست  
 این کتاب که در دست  
 است

اگر شیخی که دوست افغانه و هر دو دست در عالم

تاریخ و سیرت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام  
در بیان احوال و مناقب و کرامات و شجاعت و  
وفا و عدل و حکمت و کرم و سخا و جود و  
و غیر اینها و در بیان احوال و مناقب و کرامات و شجاعت و  
وفا و عدل و حکمت و کرم و سخا و جود و غیر اینها

[illegible]

عبدیت آید چه در جایت خاور و در جایت  
درد بخاور و در جایت رایت که از تو دل آید

نیز در این کتاب که در دسترس است از آنکه در این کتاب است

باز منظر  
آورده و نقل گردیده است

محمدرضا خان پادشاه  
نوروز

و اما این چو دین گنج نواز  
بیدار گشتی نمود

رسیده و بسیار صلوات در قریب است از بقعه  
شد از هر توبت راجع اول از آن گشتت بطلان و

از کمال اسیرین  
نم سقا بکامدست چون غمزه خورشید  
هر که در بندش بود از کمال اسیرین

در عهد پادشاهی شاهنشاهی صفویه  
در عهد پادشاهی شاهنشاهی صفویه

پسندید و ایستاد



[illegible]

...

عوضه عرض داده و سابق این سابقه و پیشین علی بن ابی طالب  
برقراره اگر کسی باشد زود از آن سزا نرعلی الی است

از دین و از چاره و از راه و از پستی که در کار است و از هر چه در پیش است که در کار است و از هر چه در پیش است که در کار است



بازار ساز و بار...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...

بازار ساز و بار...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...

بازار ساز و بار...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...

بازار ساز و بار...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...  
دوام که در کسب و کار...  
برون و مار و مار...  
دل و پیشانی...















[illegible][illegible][illegible]

کبریا و عظمی  
لعل چو خورشید است که در آینه دلش  
گردد روشن و تابان و نورانی  
که در کمال خود به شایسته کاتب آمده  
از کتب و کلام و از کتب و کلام

نورانی  
در کمال خود به شایسته کاتب آمده  
از کتب و کلام و از کتب و کلام



فردی که در این دنیا است و در آنجا نیست  
و در آنجا نیست و در آنجا نیست  
و در آنجا نیست و در آنجا نیست  
و در آنجا نیست و در آنجا نیست

[illegible]

من از تو می خواهم که نگاه تو بر روی من باشد  
و من تو را می دانم آنی که بخودش را می خواهد

از تو رفتن مرا که من خواستم <sup>و صافی</sup> خردم و کان خوشی را بر دست  
تا که نماند از منی است <sup>م</sup> از تو خسته و شکست خورده

*Handwritten text, likely a signature or date, is visible in the upper right corner of the page.*



مغز و خرد که جزو گوشت است شایسته تغذیه و جاد است  
پروانه از آن بگردی سیکر کوراجری را آفتاب و خورشید

عقلی که بر کمر بایستد توین فی برکت و صلاست  
بر باجای است یونی و بی صاحب نظری یکبار

از جهت خلق زنده است جزو کرب و بلاست  
از هر که نشان مهر پرسیم کشا کین دیار واقع است

دفعه غم در باغی است آرام دل ز بهندی نیست  
ز کوه که در کوه رسد غمی جزی شاد را بد نیست

بخت ز رفعت و کبر است شیدا و صاحب غرض  
از کوه که در کوه رسد غمی جزی شاد را بد نیست

نقطه شاد

در بر کلام خواب و زهر است انجا بر باجی و در بر نیست  
دوران بگردی و هاله زهر کرمه افلاست بی در نیست

نقطه غم

غروب غم در غم نیست این دغدغه ایست بر نیست  
شورش و درویشی است این شورش و درویشی نیست

با هر که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
در کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

با یک و دو خلق و کار نیست بکن من و بکن نیست  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

نقطه شاد

از آن دو کمان را زیم شربت کس نیست که در کشت نیست  
در شبیه سادات و دوا عالم را در این کس نیست

نقطه غم

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

بسیار و جام که از این است با من و با تو است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

با یک که کس بی بر نیست در کوه که در کوه است  
چون که کس بی بر نیست در کوه که در کوه است

با یک که کس بی بر نیست در کوه که در کوه است  
چون که کس بی بر نیست در کوه که در کوه است

خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است  
خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است

خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است  
خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است

خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است  
خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است

خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است  
خوش باش که در کوه است در کوه که در کوه است

نقطه شاد

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

نقطه غم

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است

از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است  
از کوه که در کوه است صفا و صیقل در کوه است



















چون درون چشمم  
چون بویک خندم

بزم منور صفا جان  
کوی که در آن دل را

تو خسته ای با غمت که نه  
با آنکه خیزد یک نوبت

سخت غمور پدافت که نه  
شسته غمی که تو از آن

خوبان نظر رنگ زردم  
در خلوت عایت چو دیدم

بهاران در چشمم که نه  
طاهر در کس و باطنم

چون درون دل از غمت  
دخانی پرده چو غمت

خوشی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

دخانی که در غمت  
آه که در غمت

عزت و دینم  
ز خاک کشتن

اشب و نور چشمم  
بشتم در غمت

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن

ازین که در غمت  
خفاش شایه بر آن



سره آغیه خوشه کوشه کوشه ال آینه خوشه کوشه کوشه  
دنیایه جهان کوشه اینک کوشه کوشه کوشه کوشه

چشم چو پرده را بکش از کش بخارهای کبد  
رنگ تو عالم بخت فلکایت نامرئوس کار کبر  
عزیزم لایق لطف ابرار و عظم

مولانا محمد قزاقی  
 کتب و خط و کلام می نویسد و دانش اعلیٰ می بخشد  
 اکنون نزدین باب در مکتب عربی که سخن می کند می نویسد  
 خوشروان که بپوشانند نظرات که در آن نشینند  
 کرم است که هر که در این بستم نامی بگویم که در بید

شعبان غم از دم تو پاک  
در هر مره قطره قطره پاک  
از بسک غم در بر زین رخ  
که کوبد کم من تر از پاک

اولم که نوشته گوشت که نشسته بپورده نوشته گوشت که نشسته  
مشت کش خرج می بندی اگر کار تو نوشته گوشت که نشسته

بآنکه ز تو کار بدل خواسته و ز ادل غافل بود آگاه نشد  
از حضرت بالای تو بر آید هر چند که ز دیدم گناه نشد

حسن ایس چو خدا داشت  
از نرنگه بر محکم آگاه داشت  
از بار زلفت بر کسی جز  
معالم گمشد و هیچ کونان داشت

خوش  
دل و رنگ و بوی خوش کند. جزای خوش کند  
نفس که بزم از خوش کانت کام و خوش کند

از خون لم چشم ترا آلوده نشد  
تا سحر غیش اینا بدر شک از ابدول روزگار آلوده نشد

این سبیل بکره بعضی کرم  
 آن خم برسل کونج و درآه  
 دروغ خرمش کوه کوه  
 دروغ خرمش کوه کوه

صبح طریقی بقیم یاد آمد شام بقبر فاطمه یاد آمد  
دیدم ایلیق سواره شد روی از رخ خود در و درویش یاد آمد

و کجاست که سر سبز اندک آه بایست که نیش تن پاک  
بکجاست که سر سبز اندک آه بایست که نیش تن پاک

برچینده که حاصلت بی تمام نویسه مشو لطف خدا عالم  
صد سال اگر دیده در ره کفر از برشتن توان یک کلام آید


چیت که بنور سحر بر آید  
دارم تو بنیست و ز شید و جان

در هر طرز سر او باغری بکنی فرستید از رک باز خواهر آمد

چون فاسد مرده مجدک دید  
موقوف پر نشسته تمیز آمد

این سخن در کتاب الفیاض  
در شرح خبر پیش گفته است

کلی علم از در حجب دین یافته  
خون گرمی و رخ بزمک حشر یافته



با انچه ذکر چون فراش کردی چندین غوغا چگونه خوابتا

آنکه بر اصل امر ای خدایه بی جایه و کور چشم نشاند  
 غلبان کرد و بر بدستان خواند بر فردر یا بیک زبان بیخانه  
 آتیه که بر حقیقت از اول بر پیشانی او ایستاده  
 در مجلس بزم نه خندان زاده فاش شده سوره افغان خواند

کرون که تر لباس میگرداند عارفان و احوال میگردانند  
 زین گفته که کنون تو چه میگردانی تا شام میگردانی

در پیش از قوم بسته داند خور با یقین از همه کمتر داند  
شده که دستار امام عالی تا آنکه تمام خویش بسته داند

پستہ عدلہای فلک میدا کو سرور و درگ برک میدا  
 لایم که برین خلق با بفری <sup>ازین</sup> بار و کفر که یک یک میدا

بر کس محقق نفس خود میداند اذن خداوند احد میداند  
تا بهین چه دانه که بخت ادا کنش در وی نکرده میداند

عشق ندارم بویایه حاجت چو دست مرا از مهر به میدم  
مهرکات

سازمان بهمن ماه مرداد را می بیند  
سازمان بهمن ماه مرداد را می بیند







کام از این که در این دنیا...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...

آفاق زلف شانی اند...  
کوهن کمری...  
همه...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...

نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...

نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...

نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...

نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...  
نیکویش چرخ و دور...  
جوانی خالی بگذرد...  
برگزیده و نواز...  
خود خفته و خفته...  
آفتاب زلف...







[illegible][illegible]

زمره اول  
 شوقی که صف رنگ را می کشد عشق رخ و رنگ را می کشد  
 بیکت و رنگین و اوله ایجات که کشد کشد رنگ را می کشد  
 شوق که نفس رنگ را می کشد دهره و لاله رنگ را می کشد  
 آفرین باد رنگش بخت ایجات که کشد کشد رنگ را می کشد  
 عالم که کلاه کشد بر کشد در پیش و بر کشد که کشد  
 قافله که در آن صف اول است کشد که کشد که کشد  
 شوق  
 عشق و چهره رنگ را می کشد از بدت رنگ را می کشد  
 دل به دل کشد که کشد ایجات که کشد کشد رنگ را می کشد  
 در کشد که کشد بر کشد بر کشد که کشد  
 سوز و شوق و دل کشد که کشد که کشد  
 بر کشد که کشد که کشد در دهن کشد که کشد  
 در دهره و افغان و شوق شاهر که کشد که کشد  
 اشراق و طاق که کشد که کشد عشق بخار که کشد که کشد  
 یعنی جهان و باقیانم زانجا که کشد که کشد

[illegible]































بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين

عاشق زین کد و دل  
بهر بستایدی تو کم  
که ملک بخت آید ز تو

عاشق کز عشق هر بوی ساز  
سپاسی و صبری و سستی ساز  
بهر چه که بخت بیاورد  
از صورت او همیشه در آید  
در راه طلب قدم نیاید  
بویش پیش او کم نیاید  
بیش دل بخت کورست کرد  
دین خانه و دم نیاید  
زلف و کاتب چو زلف  
زنجیری شوق و جوق  
کوین دندان کز بیل ملک  
طوفان تندر و موج غرق  
از خیمه گز

مهر و صفا و بی سازه  
بهر چه که بخت بیاورد  
از صورت او همیشه در آید  
در راه طلب قدم نیاید  
بویش پیش او کم نیاید  
بیش دل بخت کورست کرد  
دین خانه و دم نیاید  
زلف و کاتب چو زلف  
زنجیری شوق و جوق  
کوین دندان کز بیل ملک  
طوفان تندر و موج غرق  
از خیمه گز

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على  
سيدنا محمد وآله  
الذين هم خير خلق  
أخرج الله من عباده  
مخلوقين



























۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

آن که شش لغت بهار دیش نگار عالم شرم انداز  
از تاب رخسار که داشتیم بر آینه است بهر  
دارم که دیگر از دلم کوثر دفع و غیره در میان دوش  
چشم به نور و عارضه کویه در یک چشم روزگار دیش  
دختره خوشتر به چشم ازین در بار کنده به چشم پیر  
آواز آمد که غم غم را در دیش تو در دوش و در دیش  
بر آینه آینه  
ناله دلم که از دستم از دوش دلم که در دوش را از دوش  
چهارم که دلم که در دوش آینه کان به نور دیش  
غم به نور دوش را از دوش به نور دیش به نور دیش  
خوش به نور دیش به نور دیش به نور دیش به نور دیش  
در دوش به نور دیش به نور دیش به نور دیش به نور دیش  
منور دوش به نور دیش به نور دیش به نور دیش به نور دیش

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]



















الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء

الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء

الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء

الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً يضيء  
القلوب ويهدي  
السلوك  
والله اعلم  
بما يشاء















یارب نشانی که دیدی چون کنی / کنی غم غم روزانه  
 عسرت که باز است در دل / خوش کن از آن آید و روزگار  
 ایام که گزیدم ختم / ختم کن روزگارم  
 ایام که گزیدم ختم / ختم کن روزگارم  
 ایام که گزیدم ختم / ختم کن روزگارم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقوته  
ويعلم ان هذا الكتاب قد كتبه في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٧٤ هـ  
في مدينة بغداد

۹  
 میرزا حسن خان است  
 از تو بنمیشم که شیم اسود و زهر و دگر کام کشیم  
 چو منم که دگر کام کشی از تو بشاید و دگر کشیم

۱۰  
 میرزا حسن خان است  
 از تو بنمیشم که شیم اسود و زهر و دگر کام کشیم  
 چو منم که دگر کام کشی از تو بشاید و دگر کشیم

عبدالله بن داور خان خوش  
 بادر و بیاض من داور تو ستم و کس شکو آتش تو ستم  
 کرگشته شور کو که فرشته شدم شکو آیه که تو به تو ستم

حسین که از او ایام بزم با سوزی مستحق است  
 و آنکه قرب ادا شد کردیم

و آنکه ظاهر و باطن اینجا التفیق که مرا می نماید  
 و آنکه غرضش چون من خود بودم

این کتاب در دسترس است  
 این کتاب در دسترس است



























[illegible][illegible]

۴۸  
چنانچه اتم افش پزاین تو و زخرف کربان دلبامر تو  
کلان بوسه مرزنده مائی بین است کنده بیتم کردن تو

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

از بهر چنانکه شریف است که در دست ملک خردمند و زکوة  
 گویند و چون یک نفری که سپهر خوار است که نمیکند و زکوة  
 اسلام را در هر دو شکله است که در هر یک که در هر دو  
 از بهر دو معنی که در هر دو که در هر دو که در هر دو

آبولی بنیر دل مار کو فاش شود غنی آواز کو  
چنان باشد زبان و چنان آواز که دلیش کو بزرگو  
در هیچ طریقت نیست  
از کمالی جهان گشت که در فتنه بهر جان گشت  
کفر و مومنان هم عادت این حرف زاید از سنه گشت

[illegible]

از منی خرم کنه از انکه سواد از خوشه بیانی  
آن باز که در دهانه است و چون دایره گوشه است



Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or literary work. The text is dense and covers the upper right page of the manuscript.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or literary work. The text is dense and covers the upper left page of the manuscript.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or literary work. The text is dense and covers the lower right page of the manuscript.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or literary work. The text is dense and covers the lower left page of the manuscript.



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين



[illegible][illegible][illegible][illegible]







ازین نظر که هر سعادتی درگاه بوی خوشتر از باده و نغمه ششم کردی به خوش و تبار و بی تو بگر  
 آواز و بخت از رخ از دام ازاد که سکه های آردی این بر سر معرکه دولت آید چه خست با بخت کردی

نهاد برین راه و بوی باری فیض چنین که کشیدنی  
 سرگشته و غایت چوین قی فراموش بود آبادی

مشهد که چون بکمر از این در بگر که از در در  
 سرشته چنان که از در بگر که از در در

کشم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی  
 کسم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی

اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین  
 اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین

در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو  
 در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو

که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای  
 که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای

کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای  
 کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای

ازین نظر که هر سعادتی درگاه بوی خوشتر از باده و نغمه ششم کردی به خوش و تبار و بی تو بگر  
 آواز و بخت از رخ از دام ازاد که سکه های آردی این بر سر معرکه دولت آید چه خست با بخت کردی

نهاد برین راه و بوی باری فیض چنین که کشیدنی  
 سرگشته و غایت چوین قی فراموش بود آبادی

مشهد که چون بکمر از این در بگر که از در در  
 سرشته چنان که از در بگر که از در در

کشم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی  
 کسم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی

اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین  
 اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین

در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو  
 در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو

که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای  
 که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای

کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای  
 کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای

خبر که هر سعادتی درگاه بوی خوشتر از باده و نغمه ششم کردی به خوش و تبار و بی تو بگر  
 آواز و بخت از رخ از دام ازاد که سکه های آردی این بر سر معرکه دولت آید چه خست با بخت کردی

نهاد برین راه و بوی باری فیض چنین که کشیدنی  
 سرگشته و غایت چوین قی فراموش بود آبادی

مشهد که چون بکمر از این در بگر که از در در  
 سرشته چنان که از در بگر که از در در

کشم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی  
 کسم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی

اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین  
 اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین

در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو  
 در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو

که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای  
 که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای

کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای  
 کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای

خبر که هر سعادتی درگاه بوی خوشتر از باده و نغمه ششم کردی به خوش و تبار و بی تو بگر  
 آواز و بخت از رخ از دام ازاد که سکه های آردی این بر سر معرکه دولت آید چه خست با بخت کردی

نهاد برین راه و بوی باری فیض چنین که کشیدنی  
 سرگشته و غایت چوین قی فراموش بود آبادی

مشهد که چون بکمر از این در بگر که از در در  
 سرشته چنان که از در بگر که از در در

کشم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی  
 کسم که در راه بماند دی دلگشت خوشم بودی

اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین  
 اراده مرا در دست دوزخ برادر داشتی برین

در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو  
 در راه بماند مست بر زمین واقع و چون در پرتو

که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای  
 که حکم مهر و دلایستی در در و فضل خایه ای

کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای  
 کاشی صادق و کز بکاک از در و کس چون کجای











ز کوه بستاند گشتی / بنده و قفس بود گشتی / درش نفس زار پیوسته / عرق دایس بپاشد ز

در تنه و چهار آید / ازون ز چهار آید گشتی / نشاند این گشتی / زهار کلاف قشای

این کلاهش خال خال و شیش چانه خودش از زینش فراتر آید دست بر دهنش برست و شقیق پست باید در دهان  
توقیف با این قیافه کردن بزرگوار که در پیر بوی خوش تر چون طایفه باغیان است و تمام آید و است در سر باید تیره  
نیم  
بدن و کلاهش را بر سرش بپوشد و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد  
و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد و از کلاهش سرش را ببرد

کز برف و برف خوشی چرخ بزم بزم خوشی  
 صد شادان و دلگوشه آفتاب صدف کمر خوشی  
 ای خفا خوش که کمال تو در صفا و پاک خوشی  
 عشقش نشین تو شربت کایه و شمع خفا خوشی  
 آنگاه که برف بود آلوده شوی زخم زده و زخمو شوی  
 چشمه بدش نشین غوطه و دراز و زخم آلوده شوی  
 چو نغمه کز کان کجای شوی چون دانه که رویه و پای شوی  
 از دست خود است بعد از آن که چون سر بر دانه پای شوی  
 عاجل باش که ز خوشی نماند می توانی مسکن باش  
 ای قطره که بر می توانی ز غدا که بر آب که بر تو باش

امروز که مرزهایش بچانه نام کرده و منشاشی  
 بیخ بهادریست  
 تانده کیم عقل پر دانی گفته اند از خودست افروزی  
 کعبه ز دی لیلیت بنایم قافل بشوم اگر تو بنایم

[illegible][illegible]

*[Faint handwritten text, likely bleed-through from the reverse side.]*







از غفلت خویش اگر سرگردان  
از چشمه زنده کبریا بگردان

انجمن بدست خورشیدی بادشاهت نگرادی بکنی  
 در پیش خورشیدی که کرد پویای خدای بکنی  
 که کرد پویای خدای بکنی  
 انجمن بدست خورشیدی بادشاهت نگرادی بکنی

و کس ندانم که چنانچه این کلام را در  
 کتب را در این کتب و کتب را در این کتب  
 ارب حیاسم و در کتب این کتب و در کتب  
 این کتب و در کتب این کتب و در کتب

دریا کشتی اگر منہ کی پکے برکوه تراز را بر پکے پکے  
کیک جودت موج امکان دریا حوصلہ خیاں منگی پکے

۱۱  
مشاوره کفایت زندگان کن  
این طور باشی که بسازد کار  
از سر گذراندن کار کن  
چون که در زمان خودی  
چون که در زمان خودی  
چون که در زمان خودی

نزار خلقی تند خوئی گز چون آید شوق جلی گز  
مردیک در بر گز نزار خلقی نزار عوض جز گز گز

کتاب  
آفت که در آرمای بی شمره در نواق بر شری  
دیا چو شمشیر شوی شمشیر مانده زنی که بدو شوی  
کفتم که چو نماند بران شمشیر کفتم که فرموده و سوار  
بر آید جان خان مست تو در دم چشم نه دران شمشیر

از دست بخت پنازی بود  
از دست بخت پنازی بود  
از دست بخت پنازی بود  
از دست بخت پنازی بود

چون که بستانم و بگویم که در این کتاب تو می بینم که گوئی  
چون که بستانم و بگویم که در این کتاب تو می بینم که گوئی

مکتوبه منتهی بوی جادو و کلاه دوزی  
 از کس که کلاه دوزی از کس که کلاه دوزی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

از عالم خیر و نیکو شوی  
از عیب و نیکو شوی  
از عیب و نیکو شوی  
از عیب و نیکو شوی

هویر و ان نصیب جانهای بد و عاف از این دنیا چنانکه او را بر سرش می آید و فرستاده که اگر خود در شرف  
و دست آخری همان در مکتب دیدم که در آن ایام که در میان کتب است که اگر در مکتب

باطله و مستطیل و مربع و کاسه و غیره از این جنس  
 در کتب و در این شهر یافت می شود

18

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning names and dates.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of items.

سید الطائفتین حضرت مولانا ابوالفضل محمد رفیع الدین صاحب  
مقام مولانا ابوالفضل محمد رفیع الدین صاحب  
مقام مولانا ابوالفضل محمد رفیع الدین صاحب

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content.

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, particularly along the edges, suggesting its age. There is no text or other markings on the page.

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

مکتوبه حضرت عالی بفرمایید جان من بود که در این روز  
از کمال غم و اندوه و افسوس که ایام حیات منی

در این زمان که فرقی مرا از جلاش میبرد  
برای آنکه به دست خودم از این عصر بگذرانم

دعا شود

[illegible]

از عالم فخر و شرف از دست برون گردانید خوان سعادتی  
از دست دیده اگر غم نبرد بجای آورد ز دنیا اندر جسم هیچ جان نداشت

هویتوان نصب جان مانی بد و عاوان ایما چنگ اوقی مشورتنی از عت کران و در شانی  
و سید خرم و مان در دکن در ماک و در اثنای این خبر و دران یکی بیشتر از آن و در دکن  
دکن

قلند سلطان مراد خان کلاشانه خان خانان  
 شکر خان خانان و خان خانان

\_\_\_\_\_



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or corrections visible within the text.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or corrections visible within the text.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or corrections visible within the text.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. There are some red ink markings or corrections visible within the text.



Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or literary work. The text is densely packed and covers the entire page.

در بیان

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or discussion from the previous page. The text is written in a cursive style.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or discussion. The text is densely packed and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or discussion. The text is densely packed and covers the entire page.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. Some words are written in red ink, indicating emphasis or specific terminology. The paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is dense and covers most of the page. There are some marginal notes and corrections visible. The ink is dark, and the paper is aged.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. Some words are written in red ink, indicating emphasis or specific terminology. The paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is dense and covers most of the page. There are some marginal notes and corrections visible. The ink is dark, and the paper is aged.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style with some red ink used for headings or emphasis. The paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is written in a cursive style with some red ink used for headings or emphasis. The paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style with some red ink used for headings or emphasis. The paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is written in a cursive style with some red ink used for headings or emphasis. The paper shows signs of age and wear.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the upper portion of the page. It appears to be a continuation of a narrative or a set of instructions.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is dense and covers the lower portion of the page. It includes various phrases and possibly names of individuals or places.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the upper portion of the page. It appears to be a continuation of a narrative or a set of instructions.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is dense and covers the lower portion of the page. It includes various phrases and possibly names of individuals or places.



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

A page of handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic. The text is written in dark ink on aged, slightly discolored paper. There are several lines of text, with some words or phrases highlighted in red ink, possibly indicating a title or a specific section. The handwriting is fluid and characteristic of the period. The page is oriented horizontally, but the text is written in vertical columns, typical of traditional Eastern manuscripts.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is densely packed and covers the entire page. A small, rectangular piece of paper is visible, partially covering the text on the left side of the page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and covers the entire page. A small, rectangular piece of paper is visible, partially covering the text on the left side of the page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is densely packed and covers the entire page. A small, rectangular piece of paper is visible, partially covering the text on the left side of the page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and covers the entire page. A small, rectangular piece of paper is visible, partially covering the text on the left side of the page.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is densely packed and covers the entire page. A small metal clasp is visible at the top center of the binding.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is densely packed and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and covers the entire page.







Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or administrative document. The text is densely written in a cursive style, with some lines starting with large, decorative initial letters. The ink is dark, and the paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or administrative record. The script is consistent with the previous page, showing a high level of literacy and formal writing style. The text is organized into several columns, with some marginalia visible on the left side.

Handwritten text in Persian script, continuing the document. This section includes several lines of text, with some lines being more prominent than others. The handwriting remains consistent, and the overall layout is well-organized.

Handwritten text in Persian script, concluding the document. The text is written in a clear, cursive hand, with some lines showing signs of fading or wear. The overall impression is one of a well-preserved historical manuscript.







Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.

Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is written in a cursive style and covers the entire page.











۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or a page from a book. The text is written in a cursive style and is arranged in several lines. The ink is dark, and the paper appears aged. The text is written in a cursive style, likely a form of Arabic or Persian script. The lines are somewhat irregular, and the ink shows some fading and bleed-through from the reverse side. The overall appearance is that of an old, handwritten document.

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or a collection of letters. The text is dense and covers most of the page, with some lines written in a different script (possibly Persian or a dialect) at the bottom. The handwriting is cursive and characteristic of the Ottoman or Persian periods.



Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the entire page. The text is dense and appears to be a continuous narrative or a collection of related entries. The script is highly stylized and characteristic of the period.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the entire page. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines, written from right to left. The ink is dark, and the paper shows signs of age and wear.

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱















